نهار وطلب عفو کند از کسی که آزرده شده است از بدزبانی او زیرا که فحش زبان هم حق
وهم حق العباد قوله الحدیث شکوت باضافت حدیث است بسوی حمد شکوت و یحتمل
که منون باشد این حدیث هو شکوت این ملازمت استغفار برای این حدیث است
که خدا تعالی گفته است کلمه کردم بسوی رسول خدا صلی الله علیه وسلم از تیزی و فحش زبان
خود که باک ندارد آنچه میگوید فقال فرمود رسول خدا در کدام مکان تو از اکثر
استغفار و حکومت غایب است فهم تو از استغفار باید که حاضر کنی استغفار را و بدانی
که از ملازم استغفار دور میکند خدای تعالی فحش و فساد و بدگوی زبان را
قوله انی لاحقیق من با وجود عصمت و بزرگی مرتبت هر آینه طلب میکنم مغفرت
از خدا در هر روز صد بار بسیار پس مراد از مائة کثرت است و طلب مغفرت
از من برای امت است یا برای تقصیر در عبادت یا برای غفلت من از حقیقت
خود یا برای قناعت من بهمین مرتبت که در پیش آن است و عدم طلب زیادت در علم
و قربت که هر یک را نهایت است و ما غایت یا برای تنزل خود از منزلت عین بسوی
غیبت عین پس فرق است بسیار در انواع استغفار برای استغفار فجار
وَمَنِ انْتَهَى إِلَى مَجْلِسٍ فَلْيُسَلِّمْ فَإِنْ بَدَا لَهُ أَنْ يَجْلِسَ فَلْيَجْلِسْ ثُمَّ
إِذَا قَامَ فَلْيُسَلِّمْ ای در سنن ابوداود و ترمذی روایت است
از ابوهریره رضی الله عنه که رسول خدا فرموده است و کسی که منتهی گردد و برسد بسوی مجلسی
پس باید که سلام کند بر اهل آن مجلس فان بدا بر اهل است پس اگر ظاهر
شود مر آنکس را و بخاطرش رسد که بنشیند پس باید که بنشیند پس از نشستن وقتی
که برخیزد از آن مجلس پس باید که سلام کند بر اهل آن مجلس سلام وداع و نقال
در این حدیث اشاره است بسوی آنکه سلام کردن نزد غیبت از اهل مجلس سنت است چنانکه

نزد حضور

نزد حضور اهل مجلس سنت است پس واجبست که سلام نزد غیبت مستحب است
چنانکه جوابش مستحب است و کذا فی المفاتیح و در عمدة الابرار است که سلام
اول افضل است از ثانی و در روایتی است که و لیست الاولی بالاولی من الثانیة
وَكَفَّارَةُ الْمَجْلِسِ أَنْ تَقُولَ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِكَ
سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ
وَأَتُوبُ إِلَيْكَ ثلث مرات رواه ابی داود و ترمذی
ابوداود و ترمذی روایت کرده است و صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم از ابوهریره رضی
و در مستدرک حاکم از حضرت عائشه رضی الله عنها نیز و در معجم کبیر طبرانی از
ابن عمر بن داود جبیر ابن مطعم رضی الله عنه و در مصنف ابن ابی شیبه از
ابوبرزه اسلمی رضی الله عنه مروی است و در نسخه صحیحه است که در سنن ثلثه از
ابوهریره و در صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم از حضرت عائشه رضی الله
عنها و باقی بر حال است و در نسخه دیگر است که در ابوداود از ابوهریره رضی و در مستدرک
و کبیر طبرانی از حضرت عائشه رضی الله اعلم مروی است که رسول خدا فرموده است
و مکفر و ساتر خبری که واقع شود در مجلس از لغو یا مانند غیبت این است که بگوید پیش
از ایستاده شدن سبحان الله و بحمده که از مختصات روایت نسائی و طبرانی
است ای منزه است خدا تعالی از هر نقصان و زوال و متصف است بجمیع صفات
کمال قوله سبحانک اللهم و بحمدک ای اسبح و احمد او اسبح حامدا لک پس بحمدک متصل است
بسبحانک زیرا که معطوف است یا حال و جمله اللهم معترضه است کذا قال الطیبی
و مرتکب باء ظاهر است قوله ثلث مرات یعنی در سنن ابوداود و صحیح ابن حبان
از ابوهریره رضی الله عنه و در صحیح از حضرت عائشه رضی الله عنها نیز که رسول

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)